



## استعانت گناهکاران (قرآن)

گناهکاران دعوت همه انبیاء و تلاش‌های همه راهنمایان و معلمین بشر را **تکذیب** کرده، به **اعمال** خلاف و تبهکاری‌هایشان ادامه می‌دهند. و دچار شقاوت ابدی و **مجازات** می‌شوند. بر این اسلح گناهکاران دوزخی صریحاً **اعتزاف** می‌کنند که از ناحیه خداوند **اتمام حجت** شد؛ اما ما به دست خودمان وسایل بدبختیمان را فراهم ساختیم و معتزفیم که قوم گمراهی بودیم. شاید با این اعترافات می‌خواهند جلب **رحمت** پروردگار کنند؛ لذا بلافاصله اضافه می‌کنند: پروردگارا! ما را از این **آتش** بیرون ببر و به دنیا باز گردان تا **عمل صالح** انجام دهیم (ربنا اخرجنا منها).

### فهرست مندرجات

#### ۱ - استعانت برای رهایی از جهنم

##### ۱.۱ - دیدگاه تفسیر نمونه

##### ۱.۱.۱ - معنی موازین

##### ۱.۱.۲ - معنی خسر و انفسهم

##### ۱.۲ - دیدگاه تفسیر المیزان

##### ۱.۲.۱ - مراد از موازین

##### ۱.۲.۲ - مراد از (وزن) و (میزان) اعمال

##### ۱.۲.۳ - اعمال وزنی

##### ۱.۳ - بیان آیه

##### ۱.۳.۱ - مراد از لفتح و کالج

##### ۱.۳.۲ - تفسیر آیه

##### ۱.۳.۳ - مراد از برگشتن به دنیا

#### ۲ - پانویس

#### ۳ - منبع

### استعانت برای رهایی از جهنم

گناهکاران برای رهایی از جهنم، از **خداوند متعال استعانت** می‌جویند:

• «وَمَنْ حَقَّ مَوازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ؛ و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد، کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در **جهنم** جاودانه خواهند ماند!».

[۱] مؤمنون/سور ۲۳، آیه ۱۰۳.

← دیدگاه تفسیر نمونه

← معنی موازین

(موازین) جمع (میزان) به معنی وسیله سنجش وزن است؛ و چنان‌که قبلاً بطور مشروح گفته‌ایم، منظور از میزان سنجش **اعمال** یک ترازوی ظاهری دو کفه و مانند آن که برای سنجش وزن اجسام به کار می‌رود نیست؛ بلکه منظور وسیله مناسبی است که ارزش اعمال آدمی را با آن می‌سنجند، و به تعبیر دیگر میزان مفهوم وسیعی دارد که همه وسائل سنجش را شامل می‌شود، و بطوریکه از **روایات** مختلف برمی‌آید میزان سنجش اعمال انسان‌ها و حتی خود انسان‌ها در آن روز پیشوایان بزرگ و انسان‌های نمونه‌اند.

در حدیثی می‌خوانیم ان امیر المؤمنین و الائمه من ذریته هم الموازین: (امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) و امامان از دودمان او میزان‌های سنجش اعمال‌اند).

بنابراین انسان‌ها و اعمالشان را با **پیمایان** بزرگ و اوصیای آنها مقایسه می‌کنند و در این مقایسه روشن می‌شود که تا چه اندازه با آنها شباهت دارند.

از همین طریق (افراد) و (اعمال) وزین از بی‌وزن و سنگین از تو خالی و بالارزش از بی‌ارزش، و پرمایه‌ها از بی‌مایه، تشخیص داده می‌شوند.

[۱] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۲۸.

ضمناً سر **نکر** (موازین) به صورت جمع نیز روشن می‌گردد؛ چراکه پیشوایان بزرگی که میزان سنجش هستند متعدّدند. این احتمال نیز وجود دارد که هر یک از پیامبران و امامان و بندگان خاص خدا به **حکم** شرایط زندگی‌شان، در یک یا چند جهت الگو بودند و هر کدام در جنبه‌ای به‌طور آشکارتری می‌درخشیدند، و به این ترتیب هر یک میزان سنجشی در آن قسمت خواهند بود.

← معنی خسروا انفسهم

تعبیر به (خسروا انفسهم) (جان و سرمایه وجودشان را **زین** کردند) اشاره لطیفی است به این واقعیت که آنها بزرگترین سرمایه یعنی هستی خویش را در این بازار **تجارت دنیا** از دست دادند، بی‌آنکه در برابر آن چیز ارزشمندی به دست آورند.  
**[۱۱] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۲۹.**

← دیدگاه تفسیر المیزان

← مراد از موازین

کلمه (موازین) جمع میزان و یا جمع مؤزون است، و مؤزون عبارت است از همان اعمالی که آن روز سنجیده می‌شود و درباره معنای میزان و سنگینی و سبکی آن در **تفسیر سوره اعراف** کلامی گذرانیم.  
**[۱۲] طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۹۹، ترجمه موسوی همدانی.**

← مراد از (وزن) و (میزان) اعمال

این دو **آیه خیر** می‌دهد از میزانی که **عمل** بندگان با آن سنجیده می‌شود، یا خود بندگان را از جهت عمل وزن می‌کند؛ از **آیة** دیگری نیز این معنا که مراد از وزن، حساب اعمال است استفاده می‌شود؛ مانند آیه (و نضع الموازین القسط لیوم القیامه ... و کفی بنا حاسبین) و از آن روشن‌تر آیه (یومئذ یصدر الناس اثتاتاً لیروا اعمالهم فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شرا یره) است، که عمل را ذکر کرده و سنگینی را به آن نسبت داده است.  
**[۱۳] طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۸، ترجمه موسوی همدانی.**  
و کوتاه سخن اینکه منظور از (وزن) سنگینی اعمال است، نه صاحبان اعمال.

← اعمال وزنی

آیه مورد بحث اثبات می‌کند که برای نیک و بد اعمال وزنی هست؛ لیکن از آیه اولنک الذین کفروا بایلت ربهم و لقانه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیامه وزنا استفاده می‌شود که اعمال حبط شده برایش وزنی نیست و تنها اعمال کسانی در **قیامت** سنجیده می‌شود که اعمالشان حبط نشده باشد؛ پس هر عملی که **حبط** نشده باشد، چه نیک و چه بد ثقی و وزنی دارد، و میزانی است که آن وزن را معلوم می‌کند. لیکن این آیت در عین اینکه برای عمل نیک و بد ثقی و وزنی قائل است، در عین حال این سنگینی را سنگینی اضافی می‌داند، به این معنا که حسنت را باعث ثقل میزان و سینلت را باعث خفت آن می‌داند، نه اینکه هم حسنت دارای سنگینی باشد و هم سینلت، آن وقت این دو سنگین با هم سنجیده شود هر کدام بیشتر شد، بر طبق آن **حکم** شود، اگر حسنت سنگین‌تر بود، به نعیب جنت و اگر سینلت سنگین‌تر بود، به **دوزخ** جزا داده شود، نه؛ از ظاهر آیت استفاده می‌شود که میزان اعمال از قبیل ترازو و قیاس نیست تا فرض تساوی دو کفه در آن راه داشته باشد؛ بلکه ظاهر آنها این است که عمل نیک باعث **ثقل میزان** و عمل بد باعث خفت آن است؛ چنان‌که می‌فرماید: فمن ثقلت موازینه فاولنک هم المفلحون و من خفت موازینه فاولنک الذین خسروا انفسهم فی جهنم خالدون و فاما من ثقلت موازینه فهو فی عیشه راضیه و اما من خفت موازینه فامه هاویه و ما ادریک ما هیه نار حامیه.  
**[۱۴] طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۰، ترجمه موسوی همدانی.**

• «تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالْعِخْوَانِ؛ شعله‌های سوزان **آتش** همچون **شمشیر** به صورت‌هایشان نواخته می‌شود؛ و در دوزخ چهره‌های عیوس دارند».  
**[۱۵] مؤمنون/سور ۲۳، آیه ۱۰۴.**

← بیان آیه

← مراد از لفح و کالج

در **مجمع البیان** گفته کلمه (لفح) و همچنین (نفع) به یک معناست، با این تفاوت که لفح تأثیر بیش‌تر و کاری‌تر دارد، که عبارت است از مسمومیت جلدی که پوست صورت را خراب می‌کند، ولی نفع به معنای باد شدیدی است که پوست صورت را اذیت کند و کلمه (کالج) از (کلوح) است که به معنای **جمع** شدن و خشکین لب‌ها است؛ به‌طوری‌که دیگر نتواند دندان‌ها را بیوشاند.  
و معنای **آیه** این است که لهیب و هرم آتش آن‌چنان به صورت‌هایشان می‌خورد که لب‌هایشان را می‌خشکاند؛ به طوری که دندان‌هایشان نمایان می‌شود، مانند: سر گوسفندی که روی آتش گرفته باشند.

• «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ» پروردگار! ما را از این (دوزخ) بیرون آر، اگر بار دیگر تکرار کردیم، قطعاً ستمگریم (و مستحق عذاب)!». [۹] مؤمنون/سور ۲۳، آیه ۱۰۷.

← تفسیر آیه

← مراد از برگشتن به دنیا

منظور از این درخواست، بطوری که آیه دیگر بر آن دلالت می‌کند، درخواست برگشتن به دنیاست، و این در حقیقت از قبیل درخواست مسبب، به زبان درخواست سبب است، و مرادشان این است که به دنیا برگردند، و عمل صالح کنند، توبه هم که الان (در دوزخ) که این درخواست را می‌کردند کرده‌اند، در نتیجه از جمله کسانی خواهند شد که هم توبه کرده و هم عمل صالح انجام داده‌اند.

[۱۰] طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۰۱، ترجمه موسوی همدانی.

پانویس

۱. ↑ مؤمنون/سور ۲۳، آیه ۱۰۳.
۲. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۲۸.
۳. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۲۹.
۴. ↑ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۹۹، ترجمه موسوی همدانی.
۵. ↑ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۸، ترجمه موسوی همدانی.
۶. ↑ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۰، ترجمه موسوی همدانی.
۷. ↑ مؤمنون/سور ۲۳، آیه ۱۰۴.
۸. ↑ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۹۹، ترجمه موسوی همدانی.
۹. ↑ مؤمنون/سور ۲۳، آیه ۱۰۷.
۱۰. ↑ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۰۱، ترجمه موسوی همدانی.

منبع

مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۱۵۲، برگرفته از مقاله «استعانت گناکاران».

رده‌های این صفحه: [استعانت](#) | [موضوعات قرآنی](#)